

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

درویش کابلی

27 دسمبر 2011

جرگه بزرگ شیاطین

قرار اطلاعات موثق که به کره خاکی رسیده، در طبقه چهارم آسمان، تمام شیطانها گردهم آئی بزرگی داشتند، شیطانها از هر گوشه زمین و آسمان جمع شده و به تعداد چشمگیر بودند. شیطانهای ریشدار و بی ریش، شاخدار و بی شاخ، مرد و زن که از حساب خارج بودند... هنوز ما انسانها فکر میکنیم که شیطان یک نفر است، اما نه حدس زده میشود که چندین چند تعداد نفوس زنده دنیا خاکی ما - که امسال به هفت بلین (میلیارد) رسید - باشد. آنها به رسم خاص از ورود بزرگان و پیچه سفیدان پذیرائی میکردند، سازهای مخصوص که از موسیقی ما دلپذیرتر بود نواخته میشد. شیطانهای جوان و نوجوان با لباسهای فاخر جوقه جوقه هرطرف در حال پایکوبی و رقص دیده میشوند، پوقانه های رنگه زمینی در هر طرف آویزان است و بیرقهای شیاطینی به رنگ سیاه که چهره یک شیطان با دو طوله استخوان پای و جمجمه در آن برنگ طلائی نقش است، هر سو در اهتزاز دیده میشود. آواز موسیقی خاموش میشود و سرودی مانند سرود ملی نواخته میشود. تمام شیطانها به پا ایستاده شده و همه به یک سمت به حالت احترام رو می آورند. شیطان - شیاطین بزرگ که دارای ریش باریک و دراز تا پایینتر از زانو و لباس دراز برنگ سیاه به بر دارد و بالای یک توته ابر سفید پنبه مانند، نشسته، تاج بزرگی از الماس کره زمین و دانه نشان که گوئی از لعل بدخشان و لاجورد پنجشیر ملک ما به سر دارد - نمایان میگردد. تخت روان ابری به وزش شمال ملایم آهسته آهسته نزدیک جمعیت میگردد و در جایگاهش که قبلاً از توته های ابرهای سیاه و سفید و خاکستری رنگ برایش آماده ساخته اند، پایان میشود. موهای سرش از زیر تاج با ریش سفیدش یکجا شده از زانویش پایینتر است، چین سیاه دراز که دهن یخن و دور آستین به شکل چرمه دوزی طلائی به مود شاهان سمرقند و بخارا دوخته شده به تن دارد، از تخت روان پیاده شده و مانند فضانوردان امریکائی و مثل پاپ واتیکان آهسته آهسته قدم بر میدارد و بجای خود تکیه می زند. همه به مجرد دیدن او صلوات گفته و با کف زدن، خیر مقدم میگویند. لحظه ای بعد سکوت مطلق در هر هفت طبقه آسمان حکمفرما میگردد که اگر فرشته ای به یکی درین طبقات بال می کشود این سکوت را برهم می زد... تا اینکه آواز رسای شیطان نوجوان که نو پشت لب سیاه کرده و منحنی گرداننده این جرگه بزرگ سرتاسری شیاطین، عقب میز خطابه قرار گرفت و این سکوت را برهم زد و چنین آغاز به کلام کرد:

بنام خداوند بزرگ آفرنده آسمان ها، ابحار و زمین و زمان و بنام نامی جد معظم و بزرگوار ما، شیطان شیاطین به افتخار تمام به نمایندگان تمام شیاطین و فرشتگان آسمان چارم تشریف آوری فرد فرد شما را در این طبقه خیر مقدم گفته سر و جان همه ما فدای قدوم پدر بزرگوار ما باد. طوریکه همه میدانید این جرگه و اجتماع بزرگ ما نسبت اعتراض و تقبح نمودن مداخلات و انحرافات انسان های کره خاکی به وظایف و کردار ماست که آنها در اکثر امور به وظایف ما مداخله و تشبث نموده و به عوض ما اعمال ناشایسته اجراء نموده ملامتی را به دوش ما می اندازند. اینجانب نمیتوانم تمام مطالب را بیان نمایم اینجا تشریف دارند بزرگان و سالمندان که تا در زمینه از صحبت های عالمانه خویش ما را مستقید بدارند. بناءً از دانشمندان معظم که از طبقه آسمان هفتم تشریف آورده اند رشته سخن را به جناب شان میگذارم تا به نمایندگی شیاطین هر هفت طبقه آسمان و شیاطین موظف در روی زمین صحبت بدارند. بعد از کف زندهای متواتر و صلوات گفتنها شیطان سالمندی با اندام لاغر و آواز باریک عقب میز خطابه قرار گرفته و چنین شروع به گفتار نمودند:

به اجازه جلالت مآب معظم نیکه بزرگوار، خواهران، برادران و ارجمندان گرامی. از دیدار همه تان خوشوقت و مفتخر هستم. از اینکه بمن افتخار می بخشید به نمایندگی از تمام شما صحبت بدارم، نهایت مدیون و ممنون تان. واضح است که ما از زمانهای خیلی سابق شاهد اعمال و کردار ناشایسته و تباهاکارانه یک تعداد از ابنای طایفه انسانهای خاکی هستیم. شاهد هستیم که آنها چه خیانتها و جنایات را در بین خود مرتکب شده و اکنون امور کره خاکی را در هم و برهم نموده و دست مداخلات شان در آسمانها میرسد و در اثر مداخلات شان نزدیک است نظام شمسی به خطر مواجه شود. و در آخر همه ملامتی را به گردن مایان می اندازند و ادعا می کنند که ما را شیطان فریب داده است. آیا شیطانها مانند آنها توپ و تفنگ و سلاح ذروئی دارند؟ چطور شیاطین با دست خالی بر شما تسلط دارند تا شما را از راه بکشند؟ یقین بدارید این تعدادی انسانان دویا به اندازه ای چال و فریب یاد دارند که ما شیطانها از درک آن عاجز هستیم و شما انسانها کارهایی میکنید که ما شیطانها به آن حیران هستیم. شما هستید که در حق یکدیگر خود ظلم میکنید، تجاوز می کنید و حتی یکدیگر خود را از بین میبرید. با صدها گونه اسلحه ثقیله و خفیفه و سلاح ذروی از زمین و زمان بجان یکدیگر می افتید، همدگر را نابود می کنید و مال و اموال شان را به یغما می برید و اسیران شان را به عنوان غلام و کنیز گرفته و حتی به ناموس شان تجاوز روا میدارید. تاریخ هویداست که هیچ شیطان و یا فرشته ای دست به این گونه اعمال نزده و به یکدیگر خویش همیشه مهرمان و دلسوز بوده. گذشته از ما، تمام حیوانات روی زمین و داخل ابحار همونوع خویش را نابود نکرده و از بین نبرده اند. تنها شما حیوانات دو پای "اشرف مخلوقات" هستید که مرتکب این نوع اعمار خجالت آور میشوید؛ امان از شر شما. قابل تذکار است که هستند تعدادی از انسانان شریف و محترم و دوست مقرب خداوندی که موقف شان از ملائک و فرشتگان بلندتر است، از قبیل پیغمبران و بزرگان. برای اینکه علالت بر مزاج جد بزرگوار ما پیش نیاید و زیاد خسته نشوند من گفتار را در همین جا خاتمه میدهم و میگویم مسعود و معمور باد همه شیاطین آسمانها و زمین. درین اثناء خانم دختر زیباروی و نوجوانی عقب میز خطابه قرار گرفته میگوید:

بعد از درود و احترامات به همه حاضرین مجلس. من زیاده وقت گرانبهای تان را نگرفته میخواهم خلص سوانح جد بزرگوار همه ما و شما را که سر و جان همه ما فدایش باد، بعرض برسانم.

بزرگواران معزز و گرامی! برای همه تان معلوم است که جد عالی مقام مایان قبل از خلقت بنی آدم از جمله ملائک معتبر و معزز عرش مجید بوده بحضور پروردگار عالمیان از قرب و منزلت خاصی برخوردار بودند. بعد از آنکه ذات مبارک الهی خلقت انسان را در روی کره خاکی اراده فرمودند و چند ملک معتبر از جمله جناب جد امجد را به پیشواز جهت مشوره

طلبیدند و ایشان درین مشوره به خلقت انسان دوپا در روی زمین ابراز نظر موافق فرمودند و خواهان علت و سبب شدند. خداوند فرمودند:

می خواهم در روی زمین خلیفه داشته باشیم تا به عبادت ذات من بپردازد و ما را پرستش کند. جد بزرگوار به حضور اقدس الهی عرض کرد:

فدایت شوم به عقیده این کمینه این طایفه بشر که از نعمت خلقت و رحمت الهی برخوردار میگردند. ناسپاسی و مرتکب نافرمانی و گناه و خون نگردند و بجان یکدیگر خود نیفتند؟ ذات الهی فرمودند:

ما به همه چیز آگاه و توانا هستیم. همه ملانک زمین و زمان به شمول جد مایان بیک آواز گفتند. بی شک تو قادر دانا و توانا هستی. بالاخره حضرت آدم علیه السلام از خاک خلق گردید و به بهشت برین جاگزین شد. ذات اقدس الهی به او لقب اشرف مخلوقات را اعطاء فرمود و به تمام ملانک، فرشته ها و جنیبات آسمانها و زمینها هدایت فرمودند تا به کالبد حضرت آدم به رسم احترام سجده کنند. همه سر به رانو گذاشته افتاده و به حضرت شان سجده کردند. اینجاست که جلالتماب و الانشان شیطان شیاطین که مقام بلند داشت و به حیث معلم و رهنای ملانک مقام و منصب داشت ازین امر ابا و ورزید و ادعاء داشت که ملانک از آتش ساخته و خلق شده ایم، چطور به موجودی که از ذره خاک خلق شده است سجده کنم؟ همان بود که از دربار خداوندی رانده شد و بنام شیطان لعین مسما گردید. اکنون از حضرت شان التجاء می نمایم ما فرزندان خویش را مورد تقصد قرار داده از صحبتهای پدرانۀ خویش مستفید بگردانند. خبرنگاران همه دویدند و میکرفونهای آسمانی را به میز خطابه حضرت شیخ الشیاطین نزدیک کردند. جناب شان بعد از آواز صاف کردن، چنین آغاز به سخن کردند:

ارجمندان و نور چشمانم، رو چشمان هر یک شما را بوسیده تمنا مینمایم از آفات آسمانی، زمینی و بحری خصوصاً از شر و حیلۀ انسانهای خاکی کرۀ زمین در امان باشید. طوری که برای همه تان معلوم خواهد بود، که قبل از خلقت بنی آدم اینجانب پیش بینیهای کرده بودم و بعد از خلقت آدم به او سجده نکردم که مورد قهر الهی قرار گرفته از دربار ایزدی رانده شدم و تمام مقام و منزلت خویش را از دست دادم. اکنون خوشبخت هستم که اکثر پیش بینی هایم تحقق می پذیرد. نخستین روزهای این طایفه فریبکار و ریا کار، با آدمکشی و خیانت به همدیگر همراه بوده است. میبینیم که ابتدای خلقت جای آدم در بهشت برین بود و بی بی حوا خانم او از استخوان قبرغۀ چپش ساخته شد و نسبت نافرمانی هردو را از بهشت اخراج و به روی زمین جا گزین گردیدند و ملامتی این عمل را بر من تهمت بستند، که گویا من ایشان را وسواس کرده ام که میوه ممنوع را بخورند، در حالی که آن تقاضای نفس سرکش خود شان بود. بعد از آنکه این طایفه بر روی زمین مسکن گرین گردید، آهسته آهسته اعمال فشان افزایش یافت، اولین بار هابیل و قابیل مرتکب قتل همدیگر گردیدند و یک برادر برادر دیگر را به قتل رسانید. هستند انسانهایی که مقام شان به اثر نیکوکاری و نیک اندیشی از ملانک و فرشتگان به مراتب بلندتر است، اما اکثر شان هر قدر تعداد شان زیاد شد به همان پیمانۀ بجان همدیگر افتادند، مال همدیگر را خوردند، به ناموس همدیگر تجاوز کردند، قتلهای دسته جمعی، خیانت و جنایت جزء اعمال روزانۀ شان گردید. خلق کردن ادیان تخیلی مختلف، گروهی آتش پرست، طایفه دیگر بت پرست، دسته ای خداپرست، دیگری دهری و فاقد همه ادیان. این طایفه ها، گروهها بجان همدیگر افتادند، اسلحه مختلف زمینی و هوایی اختراع کردند و ساختند و بجان هم به کار بردند. از کشته ها پشته ها ساختند، شهر ها را آتش زدند و مردمان را قتل عام کردند. احصائیه امروزی نشان میدهد که تلفات انسان به اثر جنگها، بمباران های هوایی، استعمال اسلحه ذروئی، حملات ترورستی و انتحاری به مراتب بیشتر از خطرناکترین امراض و مکروبهای شان است. کرۀ زمین، مسکن اصلی بود و باش خویش را تخریب کردند و حتی به فضای لایتناهی و ابحار ضرر رسانیدند، گازهای مضر به گفته خود شان "گاز های گلخانه ئی" به هوا صادر نمودند که به اثر آن هوا و تمام اتمسفر مکرر شده و درجه حرارت همه گیتی بمرور

زمان بلند می‌رود، که به اثر آن آبهای ابحار گرم شده سبب مرگ و میر حیوانات بحری می‌گردد و کنده های یخ های قطبین آب شده سطح ابحار بلند آمده باعث سیلابهای مدهش و خشکسالی های متواتر می‌گردد. در آخر بار همه گناهان را بر ما طایفه شیطانها حواله می کنند و ادعاء می دارند که شیطان ما را فریب داده و ما را به اجرای این عمل وادار کرده است. غافل از اینکه نفس سرکش خود شان شیطان خود شان است و این نفس و هوس شان است که آنها را به هر طرف میکشاند. ما شیطانها به این علم و تخنیک امروزه نه فهم داریم، نه دانش و نه کدام تعلیم و تحصیل. بالآخره این اشرف مخلوقات در آخر عمر با یک بار گران گناه های صغیره و کبیره رو به خداوند می آورند و از کرده های شرم آور توبه نموده خواهان عفو گناهان می گردند. بالخصوص طایفه مسلمانان با یک مشت مبالغ حلال و حرام رو به سوی خانه کعبه در عربستان سعودی به مراسم زیارت حج شرکت مینمایند و به عقیده خودشان وجود خود را از گناه پاک مینمایند. سالانه ملیون ها نفر از هر گوشه دنیا در مراسم حج اشتراک نموده و در کنجی که به اصطلاح قدمجای ما شیطانها مسما گردیده همه در خیز و جست مخصوص و با عصبانیت حتی با استعمال کلمات رکیک و فحشگونه ریزه سنگ ها جمع کرده بنام لعنت به ما شیطانها حواله میدارند و تخیل می دارند که ما در آنجا قرار داریم و گویا ما مسبب این همه گناهان شان شده ایم. بعقیده ناقص شان مانند طفل نوزاد از همه گناهها پاک میشوند. ای انسانهای مزخرف پسند و تخیل پرست! ما شیطانها کجا و آن گوشه تاریخ دنیا کجا؟؟؟ ما از شعله های زرین آتش ساخته شدیم و در آسمانها جا داریم و شما از خاک سیاه خلق شده در همان خاک دفن و نابود میشوید. حد خود را بشناسید و به حال خویش بختید!

ارجمندان عزیزم! در آخر می‌خواهم از همه تان بالخصوص از ترتیب دهندگان این جرگه ابراز ممنونیت نمایم. اقلأ توانستیم با هم درد دل کنیم. به شما ارجمندان تو صیه میدارم تا در آینده نزدیک بین خود مجلسی ترتیب دهید و با در نظر داشت گفته های امروزه قطعنامه ای ترتیب و به مقامات مربوط گسیل بدارید. جلسه امروزی را در همین جا ختم می کنیم و پیروزی همه تان را می‌خواهم. ختم

تذکار:

از دانشمندان محترم آقایان سید هاشم سدید و آزاد "ل" خواشمندم تا در زمینه با دلایل مستند بیشتر روشنی انداخته ممنون سازند.